

علم و ادب از اساتید مسلم نظم و نثر در اخیر سلطنت قاجاریه بوده
اطلاعاتی مفید در دست نیست

آقای یغمائی این تقیصه را جبران کرده و بوسیله نگارش این
رساله اطلاعات لازمه را فراهم آورده اند. امیدوارم که هموطنان
عزیز با صرف یکی دو ساعت وقت و بذل اندکی توجه با دقت نگارش
مفید آقای یغمائی را بخوانند و بوسیله استفاده از آن وسایل تشویق
ایشان و امثال ایشان را فراهم نمایند.

(عباس اقبال آشتیانی)

شرح حال یغما

جغرافیای جندق و بیابانک

یکی از حکمای اروپا میگوید: "آن اندازه که شخص مایلست
از خود سخن گوید دیگران را میل باستماع نیست." با این حقیقت
ثابت البته سزاوار نیست بنده فکرها آقایان را بنگارش های ساده
خود مشغول داشته بشرح و بسط موضوع پردازم. بهمین نظر قبلا
مژده میدهم که در اختصار این لایحه نهایت دقت بعمل آورده و
فقط اصول مطالب را یاد داشت نموده ام.

مقصود بنده در اینجا تدوین احوالات مرحوم یغماست و اگر
جغرافیای جندق و بیابانک را هم ضمیمه نموده ام بيمورد نیست چه
انجمن های جغرافیائی و ممالک معظمه هر ساله مبلغی هنگفت بمصرف
مسافرت سیاحان بنقاط مختلفه دنیا رسانده و همین مسئله موجب شده
است که اکنون در تمام زمین از دریا و خشکی هیچ نقطه نمانده
است که مشاهده نشده باشد؛ مخصوصاً اغلب این مسافرتها را موضوع
رمانها و داستانهای قرار داده اند تا بدانوسیله جلب توجه از دیگران
نمایند و با قرائت آنها معلومات و اکتشافات امروزه را در ذهن عموم
ناس جای دهند.

باین اهمیت که برای اکتشافات جغرافیائی قائل شده اند چاضر دارد از اوضاع يك واحدی که در مرکز مملکت شما واقع و کمتر اطلاعاتی از آن در دست است تا درجه مطلع شوید.

بطور کلی آنچه را که اکنون راجع بچندق عرضه میدارم بر پنج قسمت تقسیم میشود.

۱ - اوضاع طبیعی

۲ - قرای بیابانک

۳ - مشاغل مردم

۴ - اوضاع سیاسی

۵ - معارف و شقوق آن

۱ - اوضاع طبیعی

چندق و بیابانک قطعه زمینی است بطول ۴۰ و بعرض ۳۰ فرسخ که در کویر مرکزی ایران واقع و از طرف شمال و مشرق و مغرب به حدود شاهرود و خراسان و اصفهان و بزد محدود میشود.

فاصله هریک از این شهرها مرکز چندق و بیابانک لااقل ۶۰ فرسخ و قسمت عمده راه شمال و مشرق نمک زار و باینجهت عبور از آن فوق العاده دشوار است.

در تابستان زمین کویر بقدری سوزان میشود که توقف در آن مشکل و در زمستان اگر باران بیاید حالت باتلاقی را پیدا میکند که مرور از آن غیر مقدور و چون سستی و سختی زمین کویر متفاوت است مخصوصاً وقتی مسافر از راه خارج گردد جان او در معرض خطر است چنانکه تاکنون مکرر از اینگونه اتفاقات افتاده.

در این لجه کشتی فرو شده هزار که پیدا نشد نخته بر کنار مرگوب مخصوص کویر شتر است و هیچ حیوانی جز به

مصاحبت شتر نمیتواند خود را بساحل برساند چه با شامیدن آب احتیاج دارد و آنهم جز دربار شتر نتواند بود، ظروف آب معموله عموماً مشکهائی است که از پوست گوسفند میسازند و اگر اتفاقاً این مشکها بواسطه حرکت خشن شتر باعلل دیگر در وسط کویر پاره شد جان بدر بردن مشکل است.

مثال ملیحی بین شتردارها معروفست که میگویند:

«در کویر جان انسان در پوست گوسفند است» و حقیقتاً هم

همینطور میباشد.

کویر مرکزی ایران بشهادت کثرت نمک و وجود دریاچه

های نمکزار و حیوانات متحجره (فیل) قعر دریای بزرگ است که سابقاً

مرکز ایران را فرا گرفته بوده و تا دامنه جبال اطراف پیش

میآمده است، خشک شدن آسیای مرکزی و غربی و کم شدن رطوبت

این قسمت را بتدریج خشک کرده است.

در راه جنوب و مغرب اگرچه صحرای نمک نیست ولی آبادی

یافت نمیشود.

و منازل بین راه که برای استراحت مسافر ترتیب داده اند منحصر

بکلبه سنگی محقری است که در کنار چاه آبی بنا شده است.

برای بسط اطلاعات ما بيمورد نبست عقاید دیگران را راجع

بواحد چندقویا بانك در اینجا یادداشت کنیم.

حکیم ناصر خسرو علوی که از سیاحان معروف اسلامی و در

سنه ۴۴۴ با محدود مسافرت نموده در سیاحت نامه خود هنگام خروج

از اصفهان مینویسد:

«وازانجا بر راه مکیان بقصبه نائین آمدیم و از سپاهان تا آنجا

۳۰ فرسنگ بود و از نائین ۴۲ فرسنگ بر رفتیم بدیه گرمه از ناحیه بیابانك که

این ناحیه ده دوازده پاره دیه باشد رسیدیم و آن موضعی گرم است

و درختهای خرما بود و این ناحیه را کوفجان داشته بودند در قدیم ما و در این تاریخ که ما رسیدیم امیر گیلکی این ناحیه را از ایشان بسته بود و یاسبانی از آن خود بدیهی که حصار کی دارد و آنرا پیاده گویند بنشانده و آن ولایت را ضبط میکنند و راهها ایمن میدارد.

یا قوت حموی مشهورترین جغرافیون اسلام که در قرن هفتم هجری مزیسته مینویسد :

« جرمق - یکی از بلاد فارین بفرآوانی و ارزانی نعمت و کثرت اشجار و اثمار معروف و در جاده لوت واقع است .
اصطخرخی در شرح صحرای لوت که بین خراسان و کرمان و اصفهان و ری واقع است نامی از جرمق برده پس از آنکه طول و عرض و بی آبی لوت را شرح داده میگوید : در این صحرا در جاده که از اصفهان به نسا بور میرود موضعی است معروف به جرمق که دارای سه آبادی است و از اطراف صحرای لوت بآن محیط است و بنابراین جرمق را سه ده نیز گویند اسامی این سه قریه بقرار ذیل است بیاذق - جرمق - ازابه کاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این سه قریه در سر چشمه از ذیابک بیکدیگر واقع شده و مجموع سکنه آنها قریب هزار نفر است « (۱)

صاحب زینة المجالس (۲) در تحت عنوان مفازة (۳) مابین کرمان و قهستان میگوید :

« آغاز مفازة از ولایت قزوین است و از قریه ترکان آن را

(۱) معجم البلدان طبع مصر - جزء سوم - صفحه (۸۸-۸۹)

(۲) مجدالدین محمد الحسینی - اواسط قرن ده هجری

(۳) مفازة یعنی مهلکه (اقراب الموارد جلد ۲ - صفحه ۹۵۰ ستون ۳)

ولی در اینجا مقصود کویراست .

آقا خواجه میگویند تا گذر دریای هرمز و چندانکه میرود عرض زیاد میشود و عرض جنوبش از ولایت قم و کاشان و زواره و نائین و یزد و کرمان و مکران گذشته بدریا رسیده است و طرف شمالش بر دیار ری و قومس و قهستان و زابل بدریا پیوسته و این مفازه از اقلیم سیم است طولش ۴۰۰ فرسنگ و آغاز عرضش ۱۰ فرسنگ است و انجامش ۲۰۰ فرسنگ بر گذر دریا و سکن این مفازه کمتر از سایر مفازات اسلام است اما دزد و قطاع الطریق بسیار است و هوای آن معتدل است» (۱)

از اطلاعات مستشرقین و مورخین اروپا راجع بواحد بیابانک نمیتوان مطلبی باین مجموعه افزود چه ایران در اواخر دوره صفوی موضوع مسافرت اروپائیان گردیده و قدیمترین اطلاعاتشان مأخوذ از کتب جغرافیایی اسلامی است چنانکه مستشرق معروف انگلیسی گوید: «در وسط کویر در میانه راه اصفهان بطبرس در ولایت لاهستان واحد است که امروز آنرا جندق یا بیابانک میگویند و سابقاً نویسندگان عرب آنرا جرمق و ایرانیها گرمه می نوشتند این واحد مرکب از سه دهکده بوده جرمق یا گرمه بیادق یا پیاده و ارابه»

ابن حوقل تمام این قسمت را سه دهه میگوید و ناصر خسرو در سفر نامه خود عدد دهکده های آن را از ده تا دوازده می داند میگوید پیاده قریه کوچکی بوده است که امیر کبکی در آنجا برای حفظ راههای کویر عده مستحفظ گذاشته بود سکنه این قسمت در قرن چهارم هجری بقول ابن حوقل از هزار نفر تجاوز نمیکرده»

از سلاطین شاه عباس کبیر موقع مسافرت بمشهد از خور

عبور نموده و دو آب انبار که یکی معروف بحوض شاه و دیگری بحوض ملا موسوم است در آنجا بنا نموده و دوسه نفر از متمولین محل هم هر یک بنام خود حوضی ساخته اند که از آب بهاری مملو شده و چون اغلب در تابستان مرض شایع میشود عموم اهالی شادمانند که آب شیرین برای جوشاندن دوا دارند و میگویند: «خدا اول درمان میدهد بعد دوا!»

قراء بیابانک

سابقاً گفتیم وسعت خاک جندق تقریباً ۱۲۰ فرسنگ مربع است قراء جندق در این وسط پراکنده شده لیکن فاصله آنها نسبت به یکدیگر متفاوت است

مهمترین دهات جندق ۷ دبه است که بهمین جهت بقراء سبعه معروف و در نوشتجات مصطاح شده و آنها ازین قرارند:

جندق - توابع آن قریب ۵۰ مزرعه و دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت است در جندق قلعه ایست بسیار بزرگ که در زمین پستی بنا شده و معروفست که سابقاً طاغیان دوات در این قلعه محبوس میشده اند دو فرسنگ مقبره باسم بزرگان دولتی در آنجا یافت شده که آنمطلب را تأیید مینمایند اما تاریخ آنها محو شده است و مطالعات فرنگی

جندق دارای سه رشته قنات آب شیرین و باغستانی دارد مشتمل بر انواع اشجار و آنچه از میوه جات آن ممتاز است انار و گلابی است گلاب جندق نیز معروف و ممتاز میباشد.

فرخی - توابع آن ۱۵ مزرعه و قریب ۱۸۰۰ نفر سکنه دارد فرخی یکرشته قنات آب شیرین مایل بشور دارد که از مغرب بمشرق جاری است و حساب دامغان ۱۵ بند میشود اشجار آنجا نخل و سنجد و انار است و روناسش معروف و ممتاز میباشد مشهور است که فرخی از بناهای پسر فرخ زردشتی و بهمین مناسبت فرخی نامیده شده.

خور «۱» مرکز و حاکم نشین بیابانک و دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت و ۸ مزرعه در اطرافش برانگنده است.

این قریه دارای سه رشته قنات و یک چشمه آب شور و اشجار آنجا منحصر به نخل است آب شیرین جز چاهی که در یکفرسخ و نیمی واقعست ندارد.

در یکفرسخی حور از طرف مغرب رودخانه آب بسیار شور و تلخی بمشرق جاری است که در زمستان مخصوصاً ایام بارندگی ۳۰ بند آب دارد منبع این آب معین نیست ولی مصب آن در شور زاری واقعست که در آنجا تمام آبها بسوراخ عمیق و وسیعی موسوم به که دلو «کوه دل آب» فرو میرود و در طول جریان این آب دو طاحونه ساخته اند.

جرق - یا گرمه با توابعش که ۱۴ مزرعه است ۶۰۰ نفر سکنه دارد این دیه در دامنه کوه سخت و خشک کم گیاهی واقع است و از زیر این کوه چشمه آب شیرینی بقدر سه بند جاری است معروفترین و بهترین خرمای بیابانک که سیاه رنگ و موسوم به کرمانی است در این قریه بعمل می آید.

اردیب - ۵۰۰ نفر سکنه دارد و در سمت مغرب گرمه بدو فرسخ واقعست کاریزی دارد که ۷ چاه و تقریباً دو بند دامغان آب دارد و آب آن بسیار گواراست

اردیب از حیث آب و هوا بهترین نقاط بیابانک است در باغستان آنجا درخت سرو و کاج و بید و اناریافت میشود انار و تپاکوه اردیب معروفست.

چند مزرعه در اطراف این قریه است که مهم تر آنها باب گر

(۱) خور: قسمتی است از دریا که نزدیک ساحل و عمق آن کمست

موسوم است این ده کوچک در زمین بلندی واقع شده و اطراف آن را بطوری کوههای مسلسل احاطه نموده اند که فقط ازدوراه آمد و رفت ممکن است.

ماشاء الله خان پسر نایب حسین کاشی معروف درقال اینجبال چندین برج و در وسط قریه قلعه ساخته که خیلی ظریف و محکم است.

در آب گرم دو چشمه بفاصله ۱۰ قدم نسبت بیکدیگر واقع است یکی سرد و گوارا دیگری بسیار گرم و بسیار صاف که حوضی عمیق یکذرع و نیم درمظهر آن ساخته اند و از تمام بیابانک برای استشفاء بآنجا آمد و رفت مینمایند

ایراج - کوهی است مشتمل بر سنگ و خاک و در یک قسمت آن که روی بارید است بعروص عمارات و بیوتات رعیتی ساخته اند سکنه آن باتواش ۵۰۰ نفر است

در جنوب غربی ابقریه رودخانه موسوم به بازیاب جاری است و در ساحل آن ۵ دهکده است که از این آب مشروب میشود و تنها رودخانه که در بیابانک وجود دارد همین است.

مهرجان - دارای ۱۸ مزرعه و جمعیت آن جا تقریباً ۱۰۰۰ نفر است.

میگویند اهالی این قریه یهودی بوده اند

محصول عمده آن جا خرماست که مهمترین آنها خرمای قصب

(۱) نامیده میشود.

(۱) بفتح اول و سکون ثانی و باء ابعده نوعی از خرمای خشک باشد که

اهل نجد آنرا برشوم خوانند (برهان قاطع خط یغما)

ایراج و مهرجان دوقریه است که نای آنها بدو برادر موسوم
بایرج و مهرج منسوب و آنچه معروفست سابقاً زیادتی آب ایراج به
مهرجان که شش فرسخ فاصله است میرفته و هنوز آثار جوی ساروجی
آن بخوبی معلوم است.

مفازه - با ۱۲ مزرعه که در اطراف دارد دارای ۱۲۰۰ نفر
جمعیت است.

این قریه همان است که حکیم ناصر خسرو اشاره بحصار آن
نموده و هنوز قلعه آن برجاست دورشته قنات دارد که هر یک بتهائی
قابل شرب نیستند اما بس از اتصال آب آن خوشگوار میشود معروفست
که جندق و جرمق و مفارق و خرائق قدیمتر از قراء دیگرند خرائق
فعلاً ضمیمه حکومت یزد و ۲۰ فرسنگ از مفازه دوراست.

مشاغل مردم

اهالی جندق و بیابانک عموماً فقیر و قانع و زحمت کشند چنانکه
آخرین حد ثمر گز ثروت در یک خانواده از ده هزار تومان تجاوز
نمیکند و هر کس بتواند از املاک و علاقه خود ارتزاق و اعاشه نماید
جزو متمولین و اشراف محل محسوب است.

شغل عمده مردان زراعت و کار مهم زنان بافتن کرباس، عبا
و برک و غیره است.

از اینجمله مقدار زیادی کرباس و مقدار مختصری عبا و برک بخارج
حمل میشود عبا و جندقی معروف و چون بدون ثقل ساخته میشود
بهترین و بادوامترین عباهای سایر نقاط ایرانست.

اهل جندق مثل ایرانیان قدیم بزراعت اشتیاق بسیار دارند
با آنکه قاعد و وسائل لازمه اند اقسام محصولات را بعمل میآورند

اما چون آب و زمین شور بازراعت شلغم و جو و ذرت بیشتر مساعد است زراعت عمده اهالی همین مواد و قوت و غذای غالب ایشان هم از همانست .

دهات گرمسیر خرما نیز دارد و اهالی علاوه بر میوه از اجزای دیگر نخیل نیز استفاده میکنند .

از برگش زنبیل و جاروب و بادبزن (مروحه) و حصیر و غیره و از الیافش سازو (۱) ساخته برسم تجارت بخارجه میبرند و از تنه آن برای کلبه های محقر خود ترتیب ابواب و اخشاب میدهند و آنچه باین مصرف بکار نرود هیزم اهالی است .

یکی از محصولات عمده این ولایت روناس است که ثبوت رنگ معروف و اغلب درقالی بافی بکار میرود .

آنفوزه نیز در کوههای آنجا میرود اهالی شیره این گیاه را در فصل معین بدستور مخصوص بدست میآورند و تجار بزودی آن را به هندوستان حمل نموده و بقیمت گزاف بفروش میرسانند .

در ریگزار های آنجا که مهمترین آنها «رنگ گله» و «ریک رباط است» دو قسم گیاه یافت میشود که یکی را معاش و دیگری بر اگاهدر میگویند و در اواخر عقرب موقع حصادشان است .

در دامنه کوهها قدمه (بزبان اهالی تخم سرغو) - افرزه (تخم شنیدو) که بعبقیری بذر قطلونا نامیده میشود و بادام تلخ و حب الخضر را میروید .

اهالی آنها را بدست آورده بعضی را در بلاد مجاور بفروش

(۱) سازو بر وزن ریسمانی است بغایت استوار که از لیف خرما تابند و در کشتی بکار برند و ریسمان علفی را نیز گویند و عرب شرط خوانند . برهان قاطع یغما .

میرسانند در مقابل مال التجاره ها بخارج میروند روغن و نفت و کبریت و برنج و قند که طرف احتیاج اهالی است بداخله بیابانک وارد میشود

اوضاع سیاسی

قدیمترین اطلاعاتی که باوضاع سیاسی جندق و بیابانک راجع میشود همان است که ناصر خسرو علوی بآن اشاره نموده . در کتب دیگر کمتر اسمی از این موضوع برده شده است چه بواسطه بی اهمیت بودن محل مورخین از بیان جریان امور آن واحد خودداری نموده و بهمین ملاحظه در این قسمت اطلاعات صحیح و مسلمی در دست نیست

آنچه معلوم و صحیح را میتوان تقریباً تصدیق نمود اینستکه آنحدود همواره مسکن و مأدای قطاع الطریق و یاغیان بوده چنانکه در کتاب زینت المجالس اشاره باین مطلب شده و بعلاوه از معلومات تا درجه محمولات را میتوان حدس زده و این نکته را تأیید نمود .

شنیده میشود که در زمان صفویه خواجه همام الدین نامی در آنجا از معمرین ریاست داشته .

در دوره قاجار به اسمعیل خان عرب عامری بطور دیکتاتوری در آنجا حکمرانی مینموده و آثار و ابنیه و املاک زیادی از خود گذاشته که هنوز هم در تصرف اولاد اوست .

در انقلاب مشروطیت متمرّد معروف قرن اخیر نایب حسین کاشی بواسطه حصار طبیعی کویر ، مرکز خود را در بیابانک قرار داد و کاری کرد که در تاریخچه جندق صاحب همان عنوان شد که چنگیز در تاریخ ایران دارد .

این بلای ناگهانی از قتل و نهب و غارت و سوختن منازل و هدم دیار و هتک اعراض چیزی فرونگذاشت و بقدری درندگی کرد که مردم بیچاره از ترس او باطراف و اکناف پراکنده شدند و هنوز قسمتی از آنها نتوانسته‌اند بوطن خود مراجعت نمایند. پس از ناب حسین هم جندقیها در هر وقت گرفتار ظالمی بوده‌اند که هر کدام از آنها تاریخی مفصل دارد. بالاخره هم که در شش سال قبل برای آنجا اعزام نایب الحکومه شد دزد های دیگری باین اسم بر جان و مال مردم مسلط گردیدند باین معنی که چون حقوقی برای حکومت جندق در بودجه مملکتی منظور نشده بود؛ با جغرافیون و منهدسین آن قطعه بزرگ را جزو ایران نمی‌پنداشتند! هر نایب الحکومه مجبور میشد باین مختلفه از مردم فقیر اخاذی نماید و از وجود محصوله یک قسمت را صرف نمیشد خود و قسمت دیگر را بحکومت مرکزی محل تقدیمی دهد بعبارة اخیری حکومت مرکزی جندق را بیک نفر نایب الحکومه مقاطعه میداد و او ماهیانه مبلغی تقدیم میکرد.

اوضاع جغرافیائی جندق عدم ارتباط آن با مرکز و شهرهای دیگر، فقدان پست و تلگراف، جهل و بدبختی اهالی سنگ دلی و شقاوت دیوانیان. این وضع ناگوار را تا سال قبل که مصادف با مسافرت این بنده به طهران گردید ادامه داد. بسا هزاران قسم دوندگی بالاخره پس از یک سال زحمت به انجام دو ماده ذیل موفق شدم:

- ۱ - حکومت جندق مستقیماً از طهران اعزام گردد.
 - ۲ - حکومت دارای بودجه مخصوص و معینی باشد.
- فعلاً تا حدی موجب رفاه و آسایش اهالی فراهم شده و امید میرود بعدها تکمیل شود.